

تأثیر عوامل اجتماعی-اقتصادی جریان مدرنیته بر خشونت خاموش بین زوجین جوان

شیدا رستمی^۱

مهرداد نوابخش^۲

منصور حقیقتیان^۳

doi: 10.22034/SSYS.2022.489

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۵

در دنیای امروز، مدرنیته به عنوان یک جریان در تحول ساختارهای اجتماعی بر نهاد خانواده و روابط بین زوجین اثرگذار بوده و پیامدهایی از جمله بروز خشونت پنهان در روابط زوجین داشته است. این مقاله به بررسی جامعه شناختی تأثیر عوامل اجتماعی-اقتصادی جریان مدرنیته بر خشونت خاموش بین زوجین تحصیل کرده جوان می پردازد. روش تحقیق مورد استفاده، پیمایش و ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه است. جامعه آماری تحقیق کلیه زوجین تحصیل کرده و جوان ۲۲ تا ۳۵ ساله مشغول به تحصیل در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات بوده اند. با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای و سپس سهمیه ای، ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه محقق ساخته بود و داده ها و یافته های حاصل از تحقیق با استفاده از نرم افزارهای SPSS22 و مدل سازی معادلات ساختاری Lisrel مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند. تحلیل داده ها نشان داد که بین فردگرایی، مادی گرایی، رشد عقل گرایی، آزادی و برابری با خشونت خاموش رابطه معناداری وجود دارد. همچنین بر اساس مدل معادلات ساختاری می توان گفت که تأثیر میزان عوامل اجتماعی-اقتصادی جریان مدرنیته بر هر یک از شاخص های خشونت خاموش بین زوجین تحصیل کرده به ترتیب عبارت اند از: فردگرایی (۰/۷۲)، مادی گرایی (۰/۶۹)، رشد عقل گرایی (۰/۶۶)، آزادی (۰/۵۳) و برابری (۰/۴۲). نتیجه آن که خشونت خاموش بین زوجین تحصیل کرده متأثر از تحولات جریان مدرنیته است.

واژگان کلیدی: خشونت خاموش، مدرنیته، فردگرایی، عقل گرایی و آزادی

۱. دانشجوی دکتری جامعه شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران

۲. استاد تمام، گروه جامعه شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Mehrdad_navabakhsh@yahoo.com

۳. دانشیار، گروه جامعه شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران

مدرنیته پس از تحولات قرون وسطی و رنسانس در عصر روشنگری پدیدار شد و دستورالعمل جدید زندگی را برای جهان به ارمغان آورد؛ دوره ای که در تعریف آدم، عالم و مبدا عالم تفاوت عظیمی نسبت به گذشته پیدا کرده است. با پیدایش مدرنیته و ابزارهای آن تحول عظیمی در زندگی همگان صورت گرفته است و مفاهیمی در تفکر بشر وارد شده که مثل و مانند نداشته است. در سطح کلی و جهانی، تحولات نظری و اجتماعی ناشی از مدرنیته به ویژه در نیمه دوم قرن نوزدهم (تحولات نظری ناشی از ظهور انسان‌شناسان و تحولات اجتماعی) موجب تغییرات بنیادین شده است. (خالق پناه و سنائی، ۱۳۹۹: ۷۶). مدرنیته به عنوان یک جریان موثر در تحول ساختارهای اجتماعی بر نهاد خانواده به عنوان یکی از مهمترین و بنیادی ترین نهادهای اجتماعی در دوران معاصر نیز تأثیر گذاشته است. تحولاتی که در غرب با عنوان «مدرنیته» اتفاق افتاده، پیامدهایی را در سایر نقاط جهان به جای گذاشته که ممکن است در بستر جامعه برای آن فرهنگ سازی نشده باشد. کشور ایران نیز از آن امر مستثنی نیست» (امامی اردستانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۶۰).

«تحولات اجتماعی دهه های گذشته در سطح جهانی، نظام خانواده را با تغییرات، چالش ها، مسائل و نیازهای جدید و متنوعی روبه رو کرده و مفاهیم سنتی و طرز کهن زندگی خصوصی و خانوادگی متحول شده و در معرض تهدید قرار گرفته است» (فاتحی دهقانانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵-۱۴). اینک، پدیده دردناک خشونت زوجین در ابعاد گوناگون جسمانی، روانی و جنسی در سراسر جهان سلامت جسم و روان همسران را به خطر می اندازد و حقوق انسانی آنان را مورد تجاوز قرار می دهد (خاوری، ۱۳۹۲: ۳۴). جامعه ایران نیز در دهه های اخیر با توجه به پیش آمدگی ها و تقاضاهای درونی، متأثر از تأثیرات بیرونی بوده است. البته، این تغییرات پس از جذب و درونی شدن، خود به عنوان عاملی درونی در تعامل همسویا ناهمسو با نیروهای همچنان فعال و شاید بسیار فعال جهانی شدن تغییرات جدیدی را ایجاد کرده اند. از این رو، برای فهم تغییرات به وقوع پیوسته در کشورهایی نظیر ایران، از مفهوم «جهان محلی شدن» استفاده می شود که در آن، اضافه بر تأثیرات بیرونی، شرایط و عوامل درونی (محلی) نیز لحاظ شده است. در واقع، تاریخ معاصر ایران روایتگر تقلای یک جامعه ریشه دار محلی از یک سو برای ماندن (تداوم) و از سوی دیگر برای مدرن شدن (تغییر) بوده است (سرایی، ۱۳۸۵: ۴۱). از آنجا که خانواده نخستین و پایدارترین نهاد اجتماعی است که هویت انسانی و جامعه پذیری فرد در آن شکل می گیرد و موجب پذیرش ارزش ها و هنجارهای اجتماعی و همچنین انتقال الگوهای روابط و تعامل به سایر نهاد های اجتماعی است (تنهایی و شکر بیگی، ۱۳۸۷) هیچ یک از آسیب های اجتماعی نیست که فارغ از تأثیر خانواده باشد. بنابراین، وجود خشونت در الگوی خانوادگی موجب تسری آن به جامعه و تداوم الگوها و رفتارهای خشن در مناسبات اجتماعی است (گارنگ و آچارا، ۲۰۱۵).

امروزه خانواده تحت تأثیر امواج مدرنیته، تغییرات کمی و محتوایی زیادی را به خود دیده است. بر این اساس خانواده ایرانی نیز جدا از این تغییرات نبوده و ساختار آن به خصوص روابط بین افراد درون خانواده دستخوش تغییرات اساسی گشته است. در این وضعیت خانواده ایرانی با مسائل مختلفی روبه رو گردیده که خشونت

خانگی یکی از آن مسائل است (فیروزجانیان و رضایی چراتی، ۱۳۹۴: ۱۰۶).

امروزه خشونت به شکل جدید آن، یعنی خشونت خاموش، به یکی از جدیدترین مباحث در حوزه آسیب‌های اجتماعی خطرناک تبدیل شده است (آل دوسری^۱، ۲۰۱۶). امروزه با وجود پیشرفت‌های صنعتی جوامع، رشد تمدن و فرهنگ آن‌ها و توسعه علم و فناوری، هنوز پدیده خشونت خانوادگی یک معضل جهانی به شمار می‌آید (شکریبگی و مستمع، ۱۳۹۳: ۱۵۴). طبق آمار سال بهزیستی در سال ۱۳۹۷، ۰/۴۹ از زنان ایرانی آزار جنسی و فیزیکی، ۰/۲۶ درصد آزار عاطفی - روانی و کلامی و ۲۲/۲ درصد آنها آزارهای اجتماعی و اقتصادی دیده‌اند. همچنین ۰/۷۱ زنان که مورد خشونت قرار گرفته‌اند از مدت زندگی زناشویی آنها بیش از ۵ سال نمی‌گذرد (دفتر آسیب‌های اجتماعی بهزیستی کشور، ۱۳۹۷).

خشونت بین زوجین به هیچوجه خاص جوامع عقب افتاده یا مسلمان نیست، بلکه در پیشرفته‌ترین کشورهای جهان، زنان از تبعات ناشی از خشونت، به خصوص در زندگی خانوادگی، رنج می‌برند و آزارهای جسمی و جنسی و روانی، نه تنها تندرستی، سلامت عقل، تعادل عاطفی و روانی آنها را به خطر می‌اندازد، بلکه جامعه را نیز متضرر می‌سازد (غلامی، ۱۳۹۸: ۳۶). «نتایج تحقیقات مشخص کرد که برخلاف تصورات رایج، تنها خانواده‌های مسئله‌دار به خشونت متوسل نمی‌شوند، بلکه خانواده‌هایی که به ظاهر معمولی یا مطلوب هستند هم با اعضای خود بدرفتارند» (محمدی و میرزائی، ۱۳۹۱). در خشونت‌های خانگی اغلب زوجین مرتکب خشونت‌های زناشویی می‌شوند. این پژوهش درصدد است تا تاثیر عوامل اجتماعی - اقتصادی جریان مدرنیته بر خشونت بین زوجین تحصیل کرده را مورد بررسی قرار دهد. تصور عمومی این است که با افزایش سطح تحصیلات، تسامح و تساهل در بین زوجین بیشتر می‌شود و با همدیگر با مدارا زندگی می‌کنند، اما موارد زیادی وجود دارد که رفتارها اینگونه نیست و خشونت غیرفیزیکی و به اصطلاح «خاموش» بین آنها جریان دارد. امروزه، تاثیر پذیری از جریان مدرنیته در ایران نیز همچون سایر جوامع رو به افزایش بوده و افراد به ظاهر شاخص‌های مدرن شدن را دارند. دانشجویان متأهل نیز همچون اغلب گروه‌های اجتماعی جامعه در این مسیر قرار گرفته‌اند و در سالیان اخیر آسیب‌های اجتماعی میان زوجین و رفتارهای آنان دچار تغییرات بسیار زیادی گردیده است. لذا در این تحقیق بر آن هستیم تا به ارائه توصیفی دقیق از عوامل اجتماعی - اقتصادی جریان مدرنیته و سنجش مولفه‌ها و تاثیرات آن بر خشونت خاموش میان زوجین پردازیم. این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است:

عوامل اجتماعی - اقتصادی جریان مدرنیته بر خشونت خاموش میان دانشجویان متأهل چه تاثیری می‌گذارد؟

اهداف تحقیق عبارت‌اند از:

۱. بررسی و شناخت تاثیر مادی گرایی بر خشونت خاموش بین زوجین تحصیل کرده؛
۲. بررسی و شناخت تاثیر برابری بر خشونت خاموش بین زوجین تحصیل کرده؛
۳. بررسی و شناخت تاثیر آزادی بر خشونت خاموش بین زوجین تحصیل کرده؛

۴. بررسی و شناخت تأثیر عقل گرایی بر خشونت خاموش بین زوجین تحصیل کرده؛
۵. بررسی و شناخت تأثیر فردگرایی بر خشونت خاموش بین زوجین تحصیل کرده؛
۶. بررسی و شناخت عوامل اجتماعی- اقتصادی جریان مدرنیته بر خشونت خاموش بین زوجین جوان.

مبانی و چارچوب نظری پژوهش

ماهیت موضوع و چارچوب نظری پژوهش، ترکیبی از نظریه‌های صاحب‌نظران است که به گونه ای اجمالی و هماهنگ و قابل تحلیل با موضوع مطروحه ارائه می گردند.

مدرنیته در آغاز یک اندیشه نو برای تغییر بود و در هر جامعه ای به عنوان یک بدیل پیشرفت محسوب می شد. جوامعی که از سنت رویگردان می شدند و مدل رایج در زندگی روزمره خود را پس می راندند، به بروز جنبش مدرنیته در وجود خود راه می دادند. «تغییراتی که امروزه در جهان جریان دارد، جوامع و فرهنگ های مختلف را بیش از همه اعصار گذشته به هم وابسته می سازد. همراه با شتاب گرفتن ضرباهنگ تغییر، آنچه در یک نقطه از جهان روی می دهد، می تواند به طور مستقیم بر جاهای دیگر نیز تأثیر بگذارد (گیدنز^۱، ۱۳۹۲: ۶۸). البته، افراد با توجه به ویژگی های مختلف و زمینه های زیستی خود عوامل جریان مدرنیته تأثیر می پذیرند.

شاخص های مدرنیته

از تعبیر و تعاریف ارائه شده می توان چنین استنباط کرد که تأثیرات مدرنیته از جنبه های مختلف قابل بررسی است. بودلر^۲، مدرنیته را به معنای تخریب شکل های کلیشه ای قالبی شده ای می دانست که در پی تحول افکار و رفتار هستند. به طور خلاصه مهترین شاخص های اقتصادی و اجتماعی مدرنیته عبارت اند از:

الف) انسان گرایی: متضمن نفی هر خصوصیت و تمایزی جز انسانیت است که بتوان بر اساس آن درباره انسان داوری کرد. هویت انسان به عنوان انسان، متضمن نفی هویت طبقاتی، ملی، مذهبی، قومی، نژادی و ... است. (احمدی، ۱۳۷۷: ۸۳)

ب) عقل گرایی: نگرش به جهان به صورت عقلی و بر اساس خرد و استدلال است. ترنر (۱۳۸۱) بر این باور است که اشتغال و تحصیلات زنان بر روابط زناشویی آنها تأثیر می گذارد و زنان را در ایفای نقش دچار تعارض می کند.

ج) مادگرایی: عقل گرایی عامل موثری بر مادی گرایی است. (احمدی، ۱۳۷۷)

چ) فردگرایی: گیدنز بر این باور است که جهانی شدن یکی از عواملی است که در نهاد خانواده تأثیر گذاشته و دگرگونی های اساسی در نقش های سنتی و ثابت و از پیش تعیین شده اعضای خانواده به وجود آورده که در نهایت به رشد فردگرایی منجر شده است (گیدنز، ۱۳۹۲، ۱۳۵). بک^۳ معتقد است که افزایش فردگرایی، تأکید بر اتکای به خود و... از پیامدهای مدرنیته می باشند.

د) برابری: مفهوم برابری از نظر حقوقی و سیاسی، یعنی برابری در آزادی؛ اندیشه ای انقلابی است که همه

1. Giddens
2. Baudelaire
3. Beck

مناسبات مبتنی بر حسب و نسب و تمایزهای مختلف را در هم می شکند. (احمدی، ۱۳۷۷).

ه) آزادی: آزادی در هر دو معنای مثبت و منفی کلمه، از ارکان تجدد به شمار می رود. در معنای منفی، انسان می باید از سلطه هر گونه اراده خود سرانه بیرونی مانند قدرت سیاسی و یا ساختارهای اجتماعی و اقتصادی رهایی یابد و در معنای مثبت، انسان باید در تعیین سرنوشت خود در جامعه مشارکت کند. (احمدی، ۱۳۷۷).

با توجه به اینکه پیشرفت های مدرن و فناوریانه در جوامع بشری زمینه ساز تحولات اقتصادی- اجتماعی است، به نظر می رسد که امروزه با تحولات عظیمی که در حوزه ارتباطات اجتماعی به علت تغییرات ساختاری عوامل جریان مدرنیته رخ داده، رفتارهای فردی، خانوادگی و اجتماعی تحت تأثیر قرار گرفته است. رفتار خشونت آمیز چه به صورت آشکار و چه پنهان یا خاموش از آن جمله است که طبق نظر صاحب نظران به این صورت تبیین می شود:

۳۴۱ توصیف و طبقه بندی رفتار خشونت آمیز بر اساس قانون امری پیچیده و چالش برانگیز است (کاستچای^۱، ۲۰۱۶)، یکی از این مسائل که نتایج به نسبت ناگوارتری چه در سطح خانواده و چه در سطح جامعه بر جای می گذارد، پدیده خشونت علیه زنان است. خشونت علیه زنان، پدیده ای تاریخی و جهانی است که به وسعت مرزهای کشورها، طبقات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، نژادی و قومی گسترده است (آل دوسری، ۲۰۱۶). باندورا^۲ مدعی است که غالب رفتارهای انسان از طریق مشاهده و در خلال فرایند الگوسازی فرا گرفته می شود. برگس و اکرس^۳ نیز یادگیری رفتار کجروانه را بیشتر از طریق فرایند های تقویت و سازوکارهای اساسی آن، یعنی تشویق و تنبیه، مورد توجه قرار می دهند و معتقدند ادامه یا توقف هر نوع رفتاری بستگی به تشویق یا مجازات دارد. به بیان دیگر، تشویق موجب ادامه رفتارهای انحرافی می گردد و همچون سایر رفتارهای اجتماعی در اثر آمیزش بادیگران آموخته می شود و تداوم می یابد (غلامی، ۱۳۹۸: ۲۳). رد^۴ نیز معتقد است همه رفتارها و اعمال افراد در زندگی تحت تاثیر الگوها و نمونه ها هستند. او می گوید تقلید امری اجتماعی بنیادی است و بر روابط بین افراد حاکم است. ویلسون و هرنشاین^۵ محیط خانواده و تجربه های نخستین فرد در مدرسه را از جمله مهمترین علل اجتماعی موثر در رفتارهای کجروانه (خشن) به حساب می آورند (کریمی، ۱۳۹۷: ۵۱). سطح تحصیلات و نوع جامعه پذیری در خشونت افراد متفاوت است. زنانی که خشونت پایین تری دارند، خشونت را همراه با تبعیض جنسیتی درک شده با سلامت روانی بدتر، کیفیت زندگی زنشویی پایین و خوشبختی کمتر می دانند (گنجان و همکاران^۶، ۲۰۲۰). نظریه های فمینیستی، ریشه خشونت های خانگی علیه زنان را در نهادها و ساختارهای قدرت مردسالاری جستجو می کنند (آبوث و والاس^۷، ۱۳۸۳). نظریه های ترکیبی بر چندبعدی بودن خشونت و تأثیرپذیری آن از تعامل بین عوامل فردی، محیطی و اجتماعی تأکید دارند.

1. Kasetchai

2. Bandura, A.

3. Akers, R. L. and Burgess

4. Reid, Sue Titus

5. Wilson and Hrnshtayn

6. Gunjan et al.

7. Wallace and Abbott

به طور کلی این عوامل در چهار سطح مطرح و مورد تحلیل قرار گرفته اند: سطح اول، شامل عوامل فردی است. سطح دوم، شامل محیط خانواده و عوامل خانوادگی است. سطح سوم شامل نهادها و ساختارهای اجتماعی رسمی و غیررسمی زمینه ساز خشونت است. سطح چهارم، شامل عوامل فرهنگی زمینه ساز خشونت است (برناردز^۱، ۱۳۸۴).

نظریه منابع بر این امر تأکید می کند که اغلب مردان منابع اقتصادی را در دست دارند و همین امر موجب برتری آن ها در روابط خانوادگی می شود. (مرشید^۲، ۲۰۱۶) حال آنکه زنان به لحاظ منابع اقتصادی عمدتاً به همسران خود وابسته اند و از طرفی چون مراقبت از فرزندان را بر عهده دارند، اگر مردان را ترک کنند، با مشکلات اقتصادی رو به رو خواهند شد. از این رو، در روابط خشن باقی می ماندند. وابستگی زنان به این معناست که آن ها راه های محدودی را در دسترس دارند و لذا کمتر می توانند بر مردان قدرت و نفوذ داشته باشند.

در دیدگاه کارکردی، خشونت برای بقای خانواده کاربرد پیدا می کند. از این دیدگاه، افراد در گروه خانواده نقش های بارزی دارند. هر یک از افراد گروه های خانواده برای ادامه زندگی، بنا به مقتضیات و انتظارات نهادی-اجتماعی، نقش های گوناگون خود را ایفا می کنند (جوادیان زاده، ۱۳۹۰: ۵۶). بنابراین انسان مدرن، مبنای روابط را بر اساس سود تعریف می کند. انسان مدرن به دلیل حکومت پارادایم اومانیستی بر ذهن و روانش، به تدریج از انسان محوری به خود محوری حرکت و منفعت «من» را سر لوحه خود قرار می دهد. در این جامعه، روابط بین زن و مرد برای رسیدن به منافع و رفع نیازهای اقتصادی، جنسی و... تعریف می شود و چون گزاره ای چون ایشار موضوعیت عام ندارد، انس و الفت و رابطه مودت و رحمت برای تداوم خانواده ایجاد نمی شود. به اعتقاد زن مدرن اساساً تفاوتی میان مرد و زن وجود ندارد. در الگوی زن مدرن، زنان باید با زبان، لباس، ادبیات و آزاد رفتار کنند و آزادی جنسی برای زن و شکستن تمامی محدودیت هایی که پیش از آن برای زنان متصور بود، دو رکن اساسی به شمار می آید.

روش شناسی پژوهش

روش تحقیق این مقاله بر اساس نحوه گردآوری و تحلیل داده ها، توصیفی و از نوع پیمایشی است. در مطالعات میدانی از پرسشنامه برای گردآوری داده ها جهت آزمون فرضیه های تحقیق استفاده شد. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه دانشجویان متاهل ۲۲ تا ۳۵ ساله دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران بود. با توجه به اینکه تعداد جامعه آماری مشخص نبود، از جدول مورگان که حداکثر نمونه آماری را ۳۸۴ نفر در نظر می گیرد استفاده شد. به دلیل گستردگی حجم جامعه آماری از روش نمونه گیری خوشه ای استفاده شد. در این روش محقق با در نظر گرفتن صفاتی در جامعه آماری و انتصاب این صفات به جمعیت نمونه، تعادلی را بین نمونه و جامعه آماری برقرار می کند و تا حدودی یک نمونه متعادل به دست می آورد. با توجه به اینکه این

1. Bernardes

2. Murshid

دانشگاه ۲۰ دانشکده دارد، با نمونه گیری تصادفی ساده سه دانشکده فنی و مهندسی، دانشکده هنر و معماری، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی انتخاب و از هر دانشکده، سه رشته تحصیلی انتخاب و با توجه به حجم و تناسب دانشجویان زن و مرد پرسشنامه بین آنها توزیع شد. گفتنی است که افراد زیادی حاضر به پاسخگویی نشدند و به همین دلیل پرسشگری این تحقیق زمانبر شد. برای تجزیه و تحلیل داده ها علاوه بر آمار توصیفی و استنباطی، از مدل معادلات ساختاری لیزرل استفاده گردید.

پرسشنامه این پژوهش دارای ۵۰ سوال است که هر یک از گویه ها با یک مقیاس پنج درجه ای (کاملاً مخالف، مخالف، بینابین، موافق و کاملاً موافق) سنجیده می شود. سوال های متغیرهای مستقل و وابسته برخاسته از تعریف عملیاتی زیر بودند:

«سنخ شناسی خشونت» از پاتریک تولن شامل خشونت روانی، ارتباطی، جنسی، اقتصادی و فیزیکی است (سانداری^۱ و همکاران، ۲۰۱۸) اما در این تحقیق بعد فیزیکی آن حذف می شود تا فقط خشونت خاموش سنجیده شود. متغیر وابسته، خشونت خاموش است که شامل پنج بعد روانی (عاطفی)، ارتباطی، جنسی و اقتصادی است.

خشونت اقتصادی: منظور از خشونت اقتصادی کلیه رفتارهای خشونت آمیزی است که در مقابل همسر صورت می گیرد و شامل سوء استفاده مالی از همسر، کنترل دائمی دخل و خرج همسر و و برآورده کردن نیازهای مربوط به خود، ولخرجی و. می باشد.

خشونت جنسی: منظور از خشونت جنسی ابراز ناراضایتی از رابطه زناشویی به صورت تحقیر آمیز و عدم همکاری در روابط جنسی می باشد.

خشونت روانی: منظور از خشونت روانی رفتارهایی مانند تحقیر در جمع، دشنام و ناسزا، تحقیر از طریق انتقاد و سرزنش خانواده و دوستان، تهدید به طلاق، متهم کردن مرد به بی مسئولیتی و بی تفاوتی در کلیه امور مربوط به خانواده است.

خشونت ارتباطی: منظور از خشونت ارتباطی رفتارهایی مانند توهین و ناسزا گفتن و بی احترامی کردن، داد و فریاد زدن بر سر ایشان، قهر و اخم و ترش رویی، تمسخر در جمع، به کاربردن کلمات رکیک و دشنام داشتن روابط عاطفی با جنس مخالف است. (اعزازی، ۱۳۸۵).

عوامل اجتماعی-اقتصادی مدرنیته

فردگرایی: در فردگرایی علایق، نیازها و اهداف فردی ترجیح داده می شوند و ارزش ها و هنجارها، مبنای فردی دارند (خودانگاشت هستند). کسب لذت فردی، در اولویت است و باورهای فردی، متمایزکننده فرد از خانواده هستند. استقلال و هویت فردی اهمیت دارند و راهبردهای مستقیم و مواجهه رو در رو ترجیح داده می شوند. (دهقان و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۸۷)

عقل گرایی: کلیه امور زندگی باید با همکاری و مشارکت زن و مرد صورت پذیرد. زن و مرد در تصمیم گیری های زندگی مشترک، به یک اندازه سهیم اند. با توجه به موضوع تصمیم گیری و شرایط، گاه زن و گاه مرد

باید تصمیم نهایی را بگیرند. هیچ الزامی در پرداختن زن به کارهای سنتی خود در خانه وجود ندارد و زنان باید به این وضعیت خود معترض باشند. زن امروز نباید محبوس در خانه و تابع همسرش باشد. اشتغال برای زن امروزی یک ضرورت است. زنان قادرند بسیاری از موقعیت های شغلی را که هم اکنون در اختیار مردان است را به عهده بگیرند و در آن بسیار موفق تر از مردان عمل کنند. (دهقان و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۸۷)

آزادی: هر یک از زوجین حق دارند در مورد طلاق خود، آزادانه تصمیم بگیرند. هر یک از زوجین حق دارند در مورد ادامه تحصیلات خود، بدون هیچ اجباری، تصمیم بگیرند. هر یک از زوجین حق دارند در مورد تعداد بچه هایی که به دنیا می آورند، خود تصمیم گیرنده باشند. هر یک از زوجین حق دارند در مورد زمان بچه دار شدنشان، خود تصمیم گیرنده باشند. هر یک از زوجین حق دارند در مورد اشتغال خود، بدون هیچ اجباری تصمیم گیرنده باشند.

مادی گرایی: هدف از ازدواج، رسیدن به رفاه اقتصادی است. همسر شریک اقتصادی خوبی است. رضایت از زندگی تنها با وضعیت مالی خوب فراهم است. معیار مهم برای انتخاب همسر، شغل پردرآمد بوده است. تمام دخل و خرج طرفین باید با مشورت مستقیم همسر باشد. (دهقان و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۸۷)

برابری: موقعیت زنان و مردان برای فعالیت های مختلف اجتماعی باید برابر باشد. وظیفه زن انجام امور مربوط به خانه است و مرد وظیفه رسیدگی به امور خارج از خانه و تأمین معاش خانواده را عهده دار است. (احمدی، ۱۳۷۷). یک مرد باید به کارهای زنانه ای مثل خانه داری و آشپزی و نگه داری از فرزند نیز بپردازد. یک زن باید به کارهای مردانه ای مثل تأمین معاش خانواده نیز بپردازد. زنان توانایی حضور در جامعه و پرداختن به کارهای به اصطلاح مردانه را دارند. امکان ادامه تحصیل برای زن هم باید مثل مرد وجود باشد. (جوکار، ۱۳۹۵: ۶۷)

برای تعیین روایی صوری، پرسشنامه در اختیار ۵ نفر از اساتید دانشگاه قرار گرفت و تایید شد. برای سنجش پایایی مدل به بررسی پایایی مرکب و آلفای کرونباخ اقدام گردید. روایی پرسشنامه توسط دو معیار روایی همگرا و واگرا که مختص مدل سازی معادلات ساختاری است، بررسی شد. معیار AVE نشان دهنده میانگین واریانس به اشتراک گذاشته شده بین هر سازه با شاخص های خود است. به بیان ساده تر، AVE میزان همبستگی یک سازه با شاخص های خود را نشان می دهد که هر چه این همبستگی بیشتر باشد، برازش نیز بیشتر است. نتایج در جدول ۱ آورده شده است:

جدول ۱: آلفای کرونباخ، پایایی مرکب و روایی همگرا سازه‌های مدل

عنوان در مدل	متغیرهای پنهان (مکنون)	ضریب آلفای کرونباخ (Alpha>0/7)	ضریب پایایی ترکیبی (CR) (CR>0/7)	(AVE)
barabari	برابری	۰/۹۱	۰/۹۳	۰/۶۵
madi	مادی گرایی	۰/۸۲	۰/۸۷	۰/۷۶
aghl	رشد عقل گرایی	۰/۸۰	۰/۸۷	۰/۶۶
azadi	آزادی	۰/۷۱	۰/۸۸	۰/۶۷
Fardgeraee	فردگرایی	۰/۸۰	۰/۸۵	۰/۶۷
jensi	خشونت جنسی	۰/۸۴	۰/۸۸	۰/۷۱
mali	خشونت مالی	۰/۷۳	۰/۸۲	۰/۷۳
ertebati	خشونت ارتباطی	۰/۷۰	۰/۹۱	۰/۷۲
ravani	خشونت روانی	۰/۸۶	۰/۸۲	۰/۶۹

در جدول ۱ همه متغیرها از پایایی بالایی در مدل برخوردارند. پایایی مرکب و ضریب آلفای کرونباخ در مورد همه متغیرها بالاتر از ۰/۷ است. در نتیجه برازش مناسب مدل تایید می‌شود. AVE همه سازه‌ها بالاتر از ۰/۵ است و در نتیجه روایی همگرایی مدل و مناسب بودن برازش مدل‌های اندازه‌گیری تأیید می‌گردد.

یافته‌های پژوهش

توصیف وضعیت جمعیت شناختی

جدول فراوانی زیر که خروجی متغیر سن ۳۸۴ نفر از زوجین متأهل دانشجویان را نشان می‌دهد بیانگر این است که میانگین سال‌های سبزی شده از ازدواج پاسخگویان ۳ سال است. کم‌ترین ۱ سال و بیشترین ۱۲ سال است. تعداد زنان (۱۹۲ نفر) و مردان (۱۹۲ نفر) مساوی هستند. میانگین سنی پاسخگویان ۲۸ سال است. کم‌سن‌ترین ۲۲ سال و مسن‌ترین فرد ۳۵ ساله است.

روابط دو متغیره

جدول ۲: روابط دو متغیره

فرضیه	تعداد	نوع آزمون	ضریب همبستگی	sig	نتیجه
رابطه برابری و خشونت خاموش	۳۸۴	پیرسون	۰/۴۹۳ **	۰/۰۰۰	تایید
رابطه مادی گرایی و خشونت خاموش	۳۸۴	پیرسون	۰/۳۷۳ **	۰/۰۰۰	تایید
رابطه عقل گرایی و خشونت خاموش	۳۸۴	پیرسون	۰/۴۸۸ **	۰/۰۰۰	تایید
رابطه آزادی و خشونت خاموش	۳۸۴	پیرسون	۰/۳۱۵ **	۰/۰۰۰	تایید
رابطه فردگرایی و خشونت خاموش	۳۸۴	پیرسون	۰/۴۰۱ **	۰/۰۰۰	تایید

** . Correlation is significant at the 0/ 01 level (2-tailed)

با توجه به سطح شبه فاصله ای بودن متغیرها، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده و سطح معنی داری برابر $\text{Sig} = 0/000$ به دست آمده است. همچنین، میزان همبستگی پیرسون در رابطه بین برابری و خشونت خاموش $0/493$ ، رابطه افزایش تفاهم ارتباطی و خشونت خاموش $0/373$ ، رابطه عقل گرایی و خشونت خاموش $0/488$ ، رابطه آزادی و خشونت خاموش $0/355$ و رابطه فردگرایی و خشونت خاموش $0/401$ است که نشان دهنده رابطه معنادار بین متغیرهاست؛ بدین معنا که اگر متغیرهای برابری، مادی گرایی، عقل گرایی، آزادی و فردگرایی به اندازه یک واحد افزایش داشته باشد، متغیر وابسته یعنی خشونت خاموش به ترتیب به اندازه $0/493$ ، $0/373$ ، $0/488$ ، $0/355$ و $0/401$ در جهت مثبت تغییر خواهد کرد. جهت این رابطه ها مثبت و شدت رابطه ها تقریباً متوسط است.

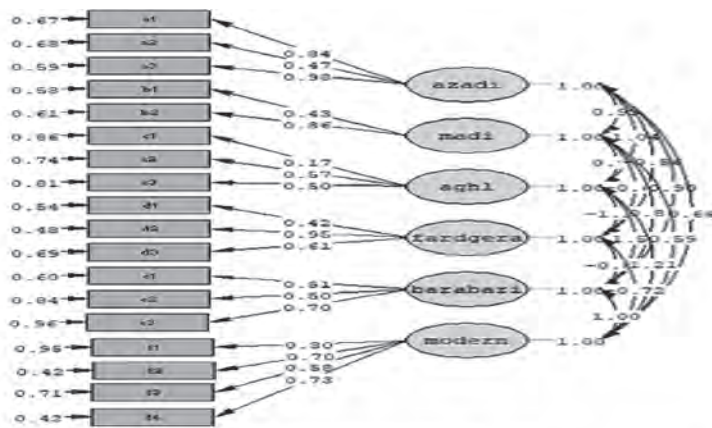
روابط چند متغیره

مدل مفهومی پژوهش، مدلی است که واقعیت تحلیل مدل مفهومی بر اساس تأثیر برابری، مادی گرایی، عقل گرایی، آزادی و فردگرایی بر خشونت خاموش بین زوجین را بر اساس مدل معادلات ساختاری به تصویر می کشد و روابط مهم و بااهمیت بین جنبه های مختلف عوامل اقتصادی-اجتماعی مدرنیته و خشونت خاموش را روشن می سازد.

بررسی تحلیل عاملی تاییدی سازه های پرسشنامه

از مدل اندازه گیری ضرایب استاندارد شده می توان برداشت نمود که بین متغیرهای مکنون مربوطه و شاخص های متناظر با آن ها، همبستگی معناداری وجود دارد. ضرایب استاندارد شده، درواقع بیانگر ضرایب مسیر یا بارهای عاملی استاندارد شده بین عامل ها و نشانگرها می باشند. برای داشتن روایی باید بین سازه و بعد و بین بعد و شاخص، همبستگی معناداری وجود داشته باشد. مدل تخمین استاندارد، مدلی است که از تطابق دو ماتریس کوواریانس مدل داده ها حاصل می شود و تخمین واقعی پارامترهای مدل را نشان می دهد. در این مدل میزان روابط بین سازه و بعد، بعد و شاخص نشان داده می شود. در صورتی که رابطه بالاتر از $0/45$ باشد، می توان گفت سؤالات موردنظر از قدرت تبیین خوبی برخوردار هستند. تمامی شاخص های در نظر گرفته برای کلیه سؤالات مربوط به متغیرهای مدل، دارای همبستگی بالای $0/4$ می باشند.

مدل اعداد معنی داری به این دلیل ارائه می شود که بدانیم آیا رابطه بین سازه و بعد و رابطه بین بعد و شاخص معنادار است یا خیر. مدل اعداد معنی داری یا همان Value-T ، میزان معنادار بودن هریک از پارامترها را نشان می دهد و چنانچه مقدار آن بزرگتر از قدر مطلق عدد $1/96$ باشد، پارامترهای مدل معنادار هستند. همان طور که در شکل ۱ ملاحظه می شود با توجه به اینکه تمامی اعداد معناداری کلیه پارامترهای مدل از عدد $1/96$ بزرگ تر است، لذا روایی سازه های اندازه گیری متغیرهای مربوطه در سطح $0/05$ معناداری تأیید می شود.



Chi-Square=375.07, df=120, P-value=0.00000, RMSEA=0.053

شکل ۱: مدل تخمین استاندارد مبتنی بر ضرایب همبستگی دوتایی سازه های پرسشنامه

در مدل پژوهش، مقدار کای دو به درجه آزادی ۱/۷۹ و کوچکتر از ۳ است. همچنین، مقدار جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA) برابر ۰/۰۷۱ و کوچکتر از ۰/۰۸ است. همچنین، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI) برابر با ۰/۹۵، شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته (AGFI) برابر با ۰/۸۵، شاخص برازندگی افزایشی (IFI) برابر با ۰/۹۹ درصد، شاخص برازندگی هنجار نیافته (NFI) برابر با ۰/۹۵ درصد و شاخص برازندگی هنجار یافته (NNFI) برابر با ۰/۹۲ و همگی از ۰/۹ بیشتر هستند. پس مدل برازش عالی را نشان می دهد و مورد تأیید است.

تحلیل مسیر تأییدی

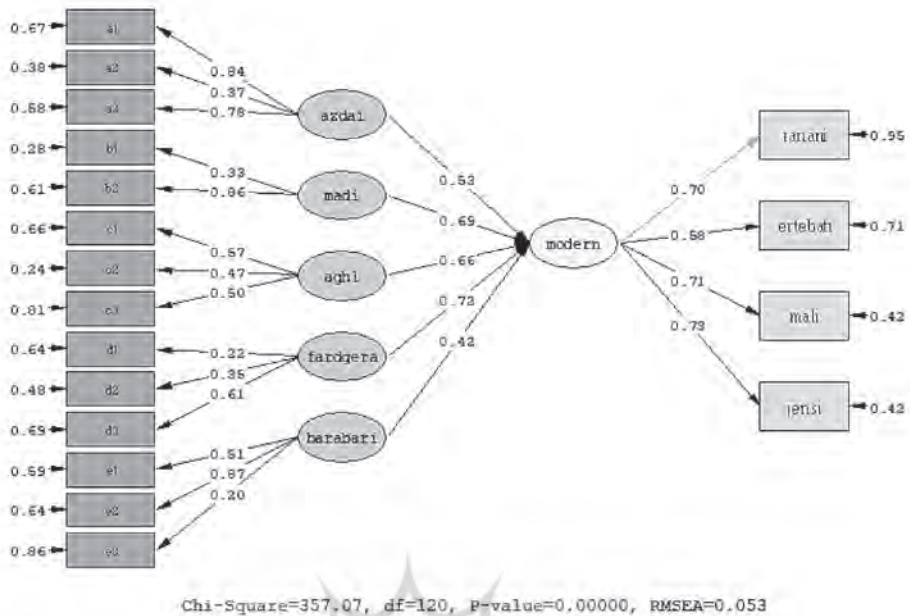
در مدل پژوهش، مقدار کای دو به درجه آزادی ۲/۸۳ و کوچکتر از ۳ است. همچنین، مقدار جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA) برابر ۰/۰۴۵ و کوچکتر از ۰/۰۸ است. همچنین شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)، شاخص برازندگی افزایشی (IFI)، شاخص برازندگی هنجار نیافته (NFI)، شاخص برازندگی هنجار نیافته (NNFI) همگی از ۰/۰۹ بیشتر هستند. پس مدل برازش عالی را نشان می دهد و مورد تأیید است.

جدول ۳: بررسی شاخص های برازش تحلیل مدل ساختاری پژوهش

شاخص یا نشانگر	مقدار شاخص	مقدار توصیه شده	برازش
RMSEA	۰/۰۷۰	$\leq ۰,۰۸$	عالی
نسبت کای اسکور به درجه آزادی (X2/df)	۲/۸۳	≤ ۳	عالی
شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)	۰/۹۵	$\geq ۰,۹$	عالی
شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته (AGFI)	۰/۸۸	$\geq ۰,۹$	مطلوب
شاخص برازندگی افزایشی (IFI)	۰/۹۹	$\geq ۰,۹$	عالی
شاخص برازندگی هنجار یافته (NFI)	۰/۹۵	$\geq ۰,۹$	عالی

در مدل اعداد معناداری تحلیل مسیر شکل ۲، با توجه به اینکه میزان عدد به دست آمده برای عوامل اجتماعی-اقتصادی جریان مدرنیته به عنوان متغیرهای مستقل با خشونت خاموش بین زوجین به عنوان متغیر وابسته، بزرگ تر از ۱/۹۶ است، می توان نتیجه گرفت که این رابطه ها در سطح اطمینان ۰/۹۵ معنادار هستند و به عبارتی متغیرهای مذکور بر خشونت خاموش بین زوجین، اثرگذار می باشند. از سوی دیگر، با توجه به اینکه مقدار عدد معناداری محاسبه شده برای رابطه بین متغیر عوامل اجتماعی-اقتصادی جریان مدرنیته بر خشونت خاموش بین زوجین تحصیل کرده برابر ۱۰/۲۸ است، می توان گفت که متغیر عوامل اجتماعی-فرهنگی جریان مدرنیته بر شاخص های خشونت خاموش تأثیر مستقیم و مثبت دارند. لذا فرضیه اصلی این پژوهش مبنی بر تأثیرگذاری متغیر عوامل اجتماعی-اقتصادی جریان مدرنیته بر شاخص های خشونت خاموش بین زوجین تحصیل کرده تأیید می گردد.

شکل ۲، الگوی ارتباط متغیر عوامل اجتماعی-اقتصادی جریان مدرنیته بر خشونت خاموش بین زوجین تحصیل کرده را در حالت استاندارد نشان می دهد. در حالت برآورد استاندارد، امکان مقایسه بین متغیرهای مشاهده شده تبیین کننده متغیرهای پنهان وجود دارد. در مدل تخمین استاندارد تحلیل مسیر، میزان ضرایب مسیر بین سنجها تعیین می شود. این به معنای میزان تغییر متغیر وابسته به ازای یک واحد تغییر متغیر مستقل است. همچنین میزان تأثیر عوامل اجتماعی-اقتصادی جریان مدرنیته بر هر یک از شاخص های خشونت خاموش بین زوجین تحصیل کرده به ترتیب عبارت اند از: فردگرایی (۰/۷۲)، مادی گرایی (۰/۶۹)، رشد عقل گرایی (۰/۶۶)، آزادی (۰/۵۳) و برابری (۰/۴۲).

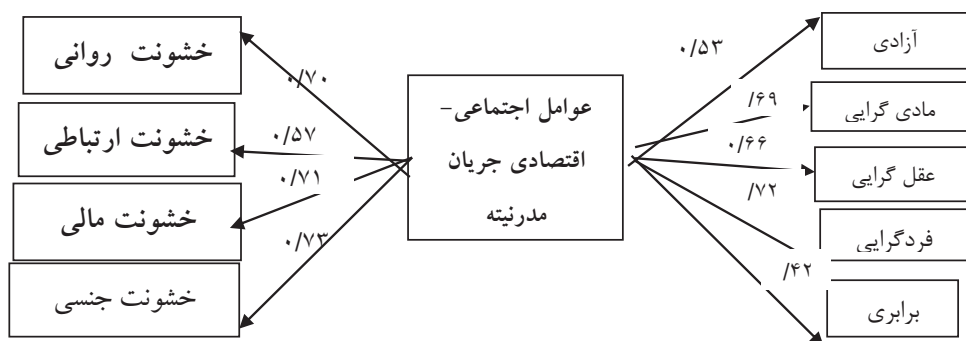


شکل ۲: تحلیل مسیر شاخص های جریان مدرنیته بر خشونت خاموش بین زوجین در حالت تخمین استاندارد

شکل بالا الگوی ارتباط شاخص های عوامل اجتماعی- اقتصادی جریان مدرنیته (X) را با ۳۰ سوال و شاخص های خشونت خاموش (Y) با ۲۷ سوال را نشان می دهد. y1 «خشونت روانی» با ۹ سوال، Y2 «خشونت ارتباطی» با ۵ سوال، y3 «خشونت مالی» با ۶ سوال، y4 «خشونت جنسی» با ۷ سوال به عنوان متغیر وابسته اندازه گیری شده که با الگوی حقیقی داده ها تفاوتی ندارد.

از آنجا که «شاخص برازش نیکویی» این مدل برابر با ۰/۹۵ می باشد می توان بیان کرد که این مدل برازش قابل قبولی با واقعیت دارد. میزان ضریب به دست آمده بیانگر اثر مستقیم شاخص های جریان مدرنیته بر خشونت خاموش بین زوجین می باشد.

بر اساس فرضیات ارائه شده در این پژوهش و نتایج به دست آمده از طریق تحلیل مسیر، مدل یاد شده جهت این فرضیات به صورت زیر است:



شکل معنی دار مسیر مدل بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی مدرنیته بر شاخص های خشونت خاموش

بحث و نتیجه گیری

عوامل جریان مدرنیته باعث تحول در روابط میان زن و شوهر در دهه های اخیر شده است؛ تحولاتی که به افزایش ناسازگاری ها و خشونت انجامیده اند و برخی آن را ناشی از تغییراتی می دانند که در روند توسعه اجتماعی و دستیابی به نقطه تعادل جدید، اجتناب ناپذیر و گاه مطلوب می نمایند. تحولات تاثیرگذاری که عوامل اقتصادی- اجتماعی جریان مدرنیته بر خشونت خاموش بین زوجین تحصیل کرده به جای گذاشته، در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است. با ورود زنان به عرصه اجتماعی، فرصت به دست آمده برای آنان در کنار عناصر مردسالارانه و پدرسالارانه جامعه، منبع و منشأ برخی تعارضات در ساختار اجتماعی و خانوادگی گشته و به تعارض بین ارزش های سنتی و مدرن منجر شده است. لذا گاهی به عنوان عاملی اساسی در بروز خشونت میان زوجین و سست شدن بنیان زندگی مشترک ایفای نقش می نماید. از طرف دیگر، زنان با تحصیلات بالا به دنبال توزیع قدرت در ساختار خانواده و داشتن نقش در تصمیم گیری های خانواده می باشند، این در حالی است که آموزه های مردسالارانه با تحولات ایجاد شده امروزی سنخیت ندارد. همچنین، میزان تأثیر عوامل اجتماعی-اقتصادی جریان مدرنیته بر هر یک از شاخص های خشونت خاموش بین زوجین تحصیل کرده به ترتیب عبارت اند از: فردگرایی (0/72)، مادی گرایی (0/69)، رشد عقل گرایی (0/66)، آزادی (0/53) و برابری (0/42).

با توجه به یافته های این پژوهش، رابطه بین برابری و خشونت خاموش تایید شد. امروزه زنان تحصیل کرده در جامعه در معرض اطلاعات فراوانی هستند و سطح آگاهی و انتظار آنان از زندگی نسبت به جامعه سنتی افزایش پیدا کرده است. همچنین طبق نظر فمینیست ها، بسیاری از زنان تحصیل کرده خواهان تحقق برابری زنان با مردان هستند؛ به طوری که که شوهران و همسران در تمامی مسئولیت ها سهیم و در نهایت وظایف پایاپایی بر عهده داشته باشند. در نقطه مقابل، بسیاری از مردان حاضر به پذیرش این امر نمی باشند و همین عوامل باعث بروز چالش هایی در بین زوجین می شود.

به علاوه، رابطه بین مادی گرایی و خشونت خاموش بین زوجین ثابت شد. یکی از عوامل عمده بروز

خشونت، شرایط اقتصادی و مالی است. گاهی نظام توزیع ثروت موجب محدودیت درآمد بسیاری از افراد می شود و تورم و گرانی در کنار افزایش ارزش های اشرافی گری و روحیه اسراف و تبذیر به مشکلات دامن می زند. بی شک، تداوم فشار اقتصادی مضاعف بر افراد، به ایجاد تنش و خشونت در بین زوجین می انجامد. با توجه به یافته های این پژوهش، رابطه آزادی و خشونت خاموش زوجین تایید شد. ازجمله مشکلاتی که بعد از ازدواج در زندگی زناشویی مطرح است، «محدود کردن آزادی های فردی» طرفین است. اولین واکنشی که افراد نسبت به این محدودیت ها از خود نشان می دهند، «مقاومت» است. در حالی که آزادی زن و مرد می تواند ابزار ارزشمندی برای دستیابی آنها به اوج کمال و شکوفایی باشد، در اشکال و ابعادی بروز می یابد که انسان را به حیوانی تمام و کمال مبدل می سازد. بنابراین تعیین حدود و شرایط بهره مندی انسان از این ابزار از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است.

۳۵۱

نتایج فرضیه رشد عقل گرایی و خشونت خاموش هم سو با نظریه های (گیدنز (۱۳۹۲) است. گیدنز از جمله پیامدهای جهانی شدن را تغییر نقش های سنتی از انتسابی به اکتسابی می داند و معتقد است که تخصصی شدن تقسیم کار، نقش زنان را دستخوش تغییرات شگرفی نموده است. بک (نقل از شکر بیگی، ۱۳۸۸) باز تعریف رابطه مرد و زن و توازن در حال تغییر قدرت بین زن و مرد را از پیامدهای مدرنیته می داند. اگرچه عقلانیتی که دنیای مدرن با خود همراه آورده، فضایی منفعت طلبانه ای را ایجاد می کند که در آن هر فرد به این می اندیشد که چگونه می تواند با ابزارهای موجود به بهترین شکل به اهداف خود دست پیدا کند و در این میان گاهی دیگران را نادیده می گیرد. در بین زوجین تحصیل کرده این نوع عقلانیت باعث شده تا برخی از آنها، ارزش های خانوادگی و اخلاقی را با محسوسات و عقل مادی بسنجند و اصولی را نادیده بگیرند.

رشد فردگرایی با خشونت خاموش، رابطه معناداری دارد. رشد آگاهی زنان به حقوق خویش و تن ندادن به نظام سرکوب مردسالارانه، استقلال نسبی اقتصادی زنان، رشد فردگرایی و قدرت تصمیم گیری آزادانه زنان در مسیر زندگی در نهایت می تواند به خشونت خاموش بین زوجین بینجامد. در دوره مدرن، سوژه فردی اهمیت می یابد و بر آزادی های فردی و سوژه خودمختار تأکید می شود. فردگرایی به این معناست که علایق، نیازها و اهداف فردی ترجیح داده می شوند، ارزش ها و هنجارها، مبنای فردی دارند، کسب لذت فردی، در اولویت است و استقلال و هویت فردی اهمیت دارد. فردگرایی روابط بین زوجین ایرانی را دستخوش تغییراتی کرده است. بسیاری از زوج ها منافع فردی را بر مصالح خانوادگی ترجیح می دهند و تأکید بیش از حد بر آزادی های فردی و فردمحوری باعث شده نوعی از خودخواهی و منفعت طلبی در بین زوجین تحصیل کرده حاکم گردد که در نهایت خشونت پنهان و خاموش را در پی دارد. در ازدواج نباید یکی در دیگری هضم یا حذف شود و قطعا استقلال «من افراد» باید حفظ گردد- دو طرف می توانند با حفظ استقلال و «من» خود، «ما» شوند.

نمی توان تأثیرات مدرنیته را بر ابعاد گوناگون زندگی نادیده گرفت. بی شک خانواده ایرانی نیز خواه ناخواه از این تأثیرات مستثنی نبوده است؛ خانواده ایرانی در مواجهه با مدرنیته و جهانی شدن، به نوبه خود دچار تغییراتی شده و نسبت به گذشته تفاوت هایی را تجربه کرده است. در هر زمانی نسبت به گذشته نقدهایی را وارد می دانسته اند. در فضای زوجین سنتی، تعصبات و باورهای وجود داشت که بیشتر موجب دوری افراد

از یکدیگر می‌شد. مدرنیته می‌تواند احساس رضایت بیشتری در بین زوجین ایجاد کند به شرطی که زوجین ضمن پایبندی به حقوق و تکالیف طرفین تلاش کنند زندگی مشترک خود را با عشق و علاقه‌ای که شکل داده‌اند ادامه دهند. در آن صورت در جامعه نهادهای خانواده بهنجار می‌شوند که نویددهنده جامعه بهنجار است و جامعه نابهنجار نشان‌دهنده وجود نابسامانی در خانواده است. بر این اساس، برای مبارزه با ناهنجاری در جامعه باید کار را از خانواده آغاز کرد و با ناهنجاری در خانواده مبارزه نمود. از آنجا که خشونت در خانواده یک پدیده اجتماعی است، بسان دیگر پدیده‌های اجتماعی تحت تأثیر تحولات جهان مدرن و مدرنیته است که در این تحقیق در بین زوجین تحصیل کرده مورد بررسی قرار گرفت.



منابع

- آبوت، پاملا و والاس، کله. (۱۳۸۳). درآمدی بر جامعه شناسی نگرش های جنسیتی. مریم خراسانی و حمید احمدی. تهران: انتشارات دنیای مادر
- احمدی، بابک. (۱۳۷۷). معمای مدرنیته. تهران: نشر مرکز
- اعزازی، شهلا. (۱۳۸۵). جامعه شناسی خانواده. با تاکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر. انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- امامی اردستانی، پریخ؛ هاشمیان فر، سید علی و حقیقتیان، منصور. (۱۳۹۷). «تبیین رابطه مدرنیته و خانواده گرایی در شهر اصفهان». دوره ۵، شماره ۱۱، صص ۲۳۵-۲۶۰.
- برناردز، جان. (۱۳۸۴). درآمدی به مطالعات خانواده. حسین قاضیان. تهران: نشر نی
- تنهای، ابوالحسن، شکر بیگی، حسین و شکر بیگی، عالییه. (۱۳۸۷). «جهانی شدن، تجدد گرایی و خانواده در ایران (گذار یا فروپاشی)». مجله جامعه شناسی دانشگاه آزاد واحد آشتیان. ش ۱۱، صص ۳۳-۵۵.
- جوادیان زاده، مهدیه. (۱۳۹۰). «بررسی جامعه شناختی عوامل اجتماعی موثر بر خشونت خانگی». پایان نامه کارشناسی ارشد مطالعات زنان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- جوکار، محبوبه. (۱۳۹۵). گذری کوتاه بر تأثیر مدرنیسم بر خانواده با تأکید بر خانواده ایرانی. کتاب اندیشه های راهبردی، زن و خانواده.
- خالق پناه، کمال و سنائی، علی. (۱۳۹۹). «مدرنیته و صورت بندی گفتمانی سیاست فرهنگی: تحلیل گفتمان سیاست فرهنگی دولتی در ایران». جامعه شناسی کاربردی. دوره ۳۱، شماره ۳، صص ۷۴-۵۷.
- خاوری، ثریا. (۱۳۹۲). «مطالعه خشونت خانوادگی علیه زنان و عوامل اجتماعی موثر بر آن در شهر مهاباد». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه البرز، دانشکده علوم انسانی.
- دهقان حسن زاده، محمد؛ یاراحمدی، هادی و صالحی، عصمت. (۱۳۹۳). «بررسی وضعیت نوگرایی دینی در بین جوانان شهر یزد». جامعه شناسی کاربردی. دوره ۲۵، شماره ۳، صص ۱۹۶-۱۸۱.
- سرایی، حسن. (۱۳۸۵). «تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران». نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، ش ۲، صص ۳۷-۶۰.
- شکر بیگی، عالییه و مستمع، رضا. (۱۳۹۳). «فرا تحلیل خشونت علیه زنان». فصلنامه انجمن جامعه شناسی ایران. دوره ۱۵، شماره ۲.
- غلامی، علی. (۱۳۹۸). «واکاوی عوامل موثر بر خشونت علیه زنان متاهل شهر اهواز: یک پژوهش کیفی». پایان نامه دکتری تخصصی، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- فاتحی دهقانی، ابوالقاسم و نظری، علی محمد. (۱۳۹۰). «تحلیل جامعه شناختی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق در استان اصفهان». فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی. ش ۲۵، صص ۱۳-۵۴.
- فیروزجانیان، علی؛ رازقی، نادر و رضایی، زهرا. (۱۳۹۴). «تحلیل جامعه شناختی تأثیر بی نظمی در خانواده بر خشونت خانگی زنان علیه مردان». مسائل اجتماعی ایران، دوره ۶، شماره ۲.
- کریمی، مریم. (۱۳۹۷). «پدیدارشناسی تحمل خشونت خانگی در زنان». پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم تربیتی و مشاوره خانواده، دانشگاه کردستان، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۲). پیامدهای مدرنیت. محسن ثلاثی. تهران: نشر مرکز
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۲). جامعه شناسی. حسین چاوشیان. تهران: نشر نی
- Al Dosary, A. H. (2016). "Health impact of Domestic Violence against Saudi women;

Cross sectional study". International journal of Health Sciences, Qassim university, Vol. 10, No 2: 112-131.

- Gunjan, Tiyyagura, Elizabeth, M. Bloemen, Rachel Berger, Tony Rosen, Daniel Lindberg. (2020). **"Seeing the Forest in Family Violence Research: Moving to a Family-Centered Approach"**. Journal pre-proof Available online 25 January 2020.
- Gurung, Samjhana and Jeevan, Acharya. (2015). **"Gender-based Violence among Pregnant Women of Syangja District, Nepal"**. Public Health and Research Perspectives, 7(2).
- Kasetchai, Laeheem. (2016). **"Factors affecting domestic violence risk behaviors among Thai Muslim married couples in Satun province, Kasetsart"**. Journal of Social Sciences, Volume 37, Pages 182-189.
- Murshid, N. S. (2016). **"Men's response to their wives' participation in microfinance: perpetration and justification of intimate partner violence in Bangladesh"**. Public Health, Volume 14, Pages 146-152.
- Sundari, Anitha, Harshita, Yalamarty, Anupama, Roy. (2018). **"Changing nature and emerging patterns of domestic violence in global contexts: Dowry abuse and the transnational abandonment of wives in India"**. Women's Studies International Forum, Volume 69, Pages 67-75.